



● تداعی معانی (۱۹) / عمران صلاحی

صورتی زیستن

این عنوان کتابی است که اخیراً به دستمان رسیده است. ما همیشه سرخ متمایل به تیره زندگی می‌کردیم. یعنی در تیره‌ترین روزها سعی می‌کردیم صورتمان را با سیلی سرخ نگه داریم. با این کتاب مشتاق شدیم تغییر رنگ بدهیم و به صورت صورتی در بیاییم. مقدمه کتاب مشتاق‌ترمان کرد. مؤلف در جایی نوشته بود: «هر کدام از این ۵۰۰ جمله با نیمه بالی شروع می‌شود، به ثمر رساندن آنها به بال‌های کامل به عهده شماست». برای همین ما بال بال می‌زدیم. مخصوصاً این که مؤلف توضیح داده بود: «با خواندن این کتاب تمام احساسات و تمایلات و هوس‌هایی که در شما به خواب فرو رفته‌اند، ناگهان بیدار می‌شوند». برای ناگهان بیدار شدن، کتاب را با ولع ورق زدیم. بعد گفتیم حالا که بیدار شده‌ایم، دیگران را هم بیدار کنیم، چون از قدیم گفته‌اند: «خفته را خفته کی کند بیدار». پس شما هم بخوانید.

تفسیرها از راقم این سطور است:

□ برای گفتن «نه» خجالت نکشید.

– تا دچار عوارض جانبی نشوید.

□ گاهی اوقات نوزادی را در آغوش بگیرید، لذت بخش است.

– این همان عوارض جانبی است.

□ مرتب بگویید: «دوستت دارم و دلم برایت تنگ شده».

– و بعداً توی دلتان بخندید.

□ خون خود را اهدا کنید.

– به شرط این که کثیف نشده باشد.

□ نگاه‌ها را با تبسم جواب بدهید.

– اگر امکان داشت چشمک هم بزنید.

□ از حیوانی در خانه نگه‌داری کنید. حیوانی با محبت.

– مثل سوسک و شپش و کنه

□ همانند گربه مقابل آتش شومینه حرکات کششی انجام دهید.

– تا دهان سگ‌ها آب بیفتد.

□ از سکوت لذت ببرید.

– مخصوصاً اگر علامت رضا باشد.

□ به گروه کر پیوندید. خواندن لذت‌بخش است.

– اگر نتوانستید، به جایش کرکری بخوانید.

□ بگذارید قلبتان راهنمای شما باشد.

– به شرط این که تصادف نکنید و توی جدول نروید.

□ دوستانتان را در خانه خودتان با هم آشنا کنید.

– داشتیم؟!

□ همراه عشق خود، قبل از سپیده‌دم به تماشای انتهای شب بروید.

– فقط مواظب باشید، گیر نیفتید.

□ سفر عاشقانه‌ای ترتیب بدهید، بخصوص به ونیز.

– این شد یک چیزی.

□ کاری را که دوست دارید به کزات انجام دهید و سعی کنید ممر درآمد باشد.

– درآمد، ولی پدرم.

□ آدامس بادکنکی بخرید و آنها را باد کنید.

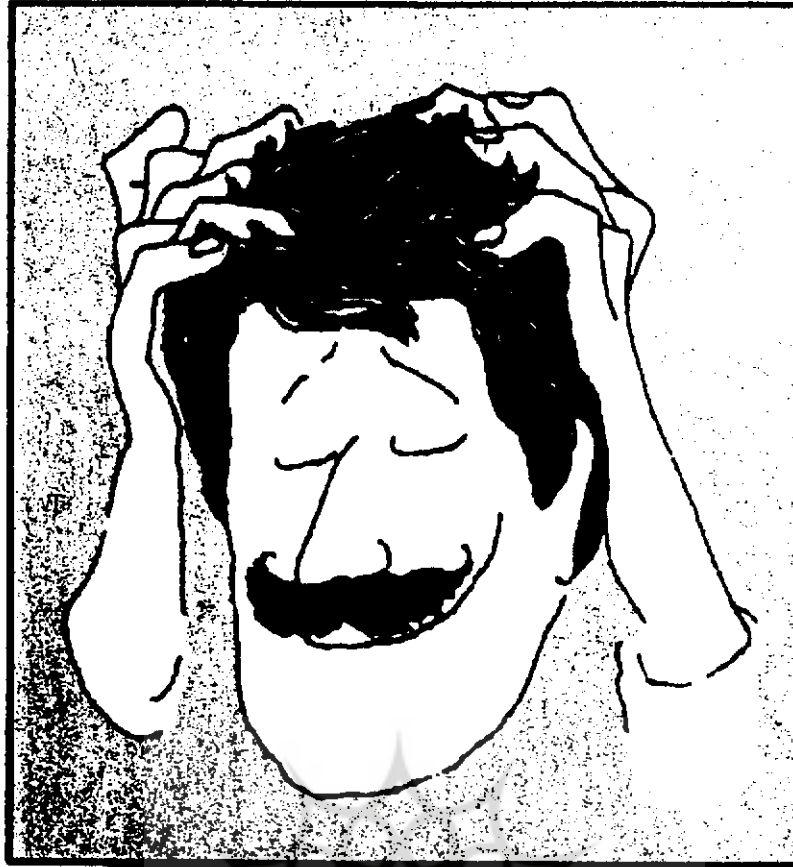
– والله چه عرض کنم.

□ وقتی با همسرتان هستید، برق خانه را قطع کنید. متوجه می‌شوید که در تاریکی قادر به

انجام دادن چه کارهایی هستید.

– رجوع کنید به مقدمه کتاب.

□ بهترین دوست عشقتان باشید.



- بهترین عشق دوستان چیه؟
- زیاد هدیه بدهید، حتی اگر کوچک باشد.
 - حتی یک آدامس دست دوم.
 - از سرعت خود بکاهید.
 - چون ممکن است موتور بسوزانید.
 - جرئت گفتن داشته باشید.
 - فعلاً دو تا کشیده خورده ایم، کافی ست.
 - هر زمان که خواستید با عشق خود غذا بخورید، یک جمله کوتاه روی کاغذ بنویسید و زیر بشقابش بگذارید.
 - این دفعه پول غذا را شما حساب کنید.
 - تمام خاطرات خود را با عشقتان از لحظه آشنایی تا حال یادداشت کنید و به او تقدیم کنید.
 - به شرطی که اول از وزارت ارشاد اجازه بگیرید.
 - موتوری را برای تعطیلات آخر هفته اجاره کنید.
 - ... و بساده کنید.

- برای بیست و چهار ساعت، ده دقیقه مؤدب‌تر و آداب‌دان‌تر از همیشه باشید، به تغییرات اطراف خود توجه کنید.
- کسی تحویل‌مان نمی‌گیرد.
- مهم‌ترین ستاره‌ها و سیاره‌های آسمان را بشناسید.
- از ستاره و سیاره‌های زمینی هم غافل نشوید.
- برای یک بار هم شده، تراکتور برانید.
- ونک، سه نفر!
- هنگامی که با افراد خانواده بحث می‌کنید، بگذارید آنها پیروز شوند.
- نتیجه اخلاقی – همیشه حق با دیگران است.
- افراد را با نام یا نام خانوادگی صدا کنید. زیرا برای آنها دلپذیرترین آهنگ خواهد بود.
- سلام، آقای زلفعلی پاچناری.
- هنگامی که محبت می‌کنید، صدای خود را بلندتر کنید.
- طرف مربوطه – برو عقب‌تر، مگر بلندگو قورت داده‌ای.
- زمان آهنگ خواندن صدای خود را بلندتر و قوی‌تر کنید.
- و منتظر عواقب آن باشید.
- درختان تبریزی، غان، زبان گنجشگ، بلوط و فندق را بشناسید.
- و بعداً حواله بدهید.
- به پنج دقیقه آینده خود یک حالت بی‌خیالی بدهید.
- کمی پست مدرنیستی شد. نمی‌توانیم تفسیر کنیم.
- قبل از خواب در گوش همسر خود کلمه «دوستت دارم» را زمزمه کنید.
- اول برو مسواک بزن، بعداً.
- دوشیدن شیر گاو را یاد بگیرید.
- فعلاً که خودمان داریم دوشیده می‌شویم. بلانسیست.
- به بلندترین نقطه یک ساختمان و یا به قله کوه بروید. زیرا از بالا همه چیز متفاوت است.
- از بالا یا از پایین؟
- با عسل مخصوص ملکه زنبورها، خود را تقویت کنید.
- کادر سیاه.
- بچه‌ای را برای دیدن میمون و سگ آبی به باغ وحش ببرید.

- فقط مواظب باشید حیوانات رم نکنند.
- لیستی از تمام چیزهایی که خداوند به شما داده تهیه کنید و شکرگزار باشید.
- متأسفانه خیلی هایش از کار افتاده است.
- لیست دیگری از هر آنچه می‌خواهید تهیه کنید. چشم‌های خود را ببندید و نیت کنید.
- دنبال لوازم یدکی می‌گردیم.
- به طور پنهانی از سرآشپز رستوران بخواهید که پیتزا را به شکل قلب درست کند.
- باز جای شکرش باقی ست.
- برای یک بار هم شده شیرۀ نارگیل تازه بخورید.
- و معلق بزنید.
- شعر بنویسید، حتی اگر بی‌قافیه باشد.
- و بدهید مجله بخارا چاپ کند!
- غذایی ابداع کنید. هر چه باشد آن را به اسم خودتان نام‌گذاری کنید.
- مثل اکبر جوجه.
- جسور باشید. ثروت به افراد جسور لبخند می‌زند.
- چراغ قوه و نقاب یادتان نرود.
- برای خود، گشت و گذاری همراه با عشقتان در کنار دریا یا جنگل ترتیب بدهید.
- آسته بیا، آسته برو، که گربه شاخت نزنه، سر به سوراخت نزنه.
- اگر نصف شب از خواب بیدار شدید، یک لیوان آب بخورید.
- قرص یادتان نرود.
- برای مبارزه با ایدز سخاوتمند باشید.
- همه‌اش تقصیر سخاوت است.
- کادویی کوچک یا یک جمله محبت‌آمیز را در قالب یخی منجمد کنید و با این کار عشق خود را غافلگیر کنید.
- یخ کنی با این کادو دادنت.